

سورة الاحقاف

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم

فهرست مطالب

۷	قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در تعزیرات
۱۹	سعادت انسان در اندیشه امام سجاد(ع)
۴۷	بررسی معجزه از دیدگاه دیوید هیوم و نقد آن
۶۵	آزادی سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره) و فارابی
۸۳	اقدامات اقتصادی امام حسن عسکری(ع) جهت کسب درآمد
۱۰۵	فوائد فلسفه فقه
۱۲۱	راهکارهای گسترش حجاب در جامعه
۱۴۵	عوامل تهدید بنیان خانواده در قرآن و روایات
۱۶۹	مسئولیت کیفری اطفال در قوانین ایران، افغانستان و اسناد بین الملل
۱۸۵	آزادی، انواع و حدود آن از دیدگاه اسلام و اندیشمندان اسلامی
۲۲۵	غلبه دین حق بر تمام ادیان
۲۴۹	جریان شناسی تفسیر عرفانی در اندلس

محمد کاظم شریفی^۱

چکیده

توجه به اقدامات اقتصادی امام عسکری (ع) با عنایت به اوضاع خفقان سیاسی بنی عباس، مورد توجه شیعیان و اهل سنت بوده است؛ اما این که تا چه حدی اقدامات امام (ع) سبب پیشبرد اقتصاد شیعیان و رفع مشکلات اقتصادی آن‌ها بوده است، کاملاً بر ما مشخص نیست! با توجه به ضرورت انجام این گونه پژوهش‌ها آن هم در فضایی که جهان غرب از هر نظر به ویژه اقتصادی به دنبال آسیب رساندن به جامعه‌ی اسلامی است، تاکنون پژوهشی در این مورد صورت نگرفته است، بر این اساس، به دنبال این هستیم که ببینیم امام (ع) در آن فضا چه اقدامات اقتصادی از حیث درآمد را انجام دادند که به پیشرفت اقتصادی شیعیان انجامید و این سبب شد که شیعیان از تحت فشار اقتصادی جامعه خارج بشوند. غرض دستیابی به مجموعه اقداماتی است که امام (ع) در عرصه اقتصاد از حیث درآمد تحت تدابیر شدید حکومت بنی عباس انجام داد. نیل به این هدف، از طریق توصیف-تحلیل صورت می‌گیرد. اقدامات اقتصادی امام (ع) برای درآمد از شاخصه‌هایی برخوردار است که عبارتند از: زحمت و تلاش، حلال بودن درآمد، حمایت از تولیدکننده، تعاون و همکاری، مشورت کردن، پرهیز از تجمل‌گرایی و اسراف.

واژگان کلیدی: امام حسن عسکری (ع)، اقتصاد، درآمد، اقدامات اقتصادی

۱. مقدمه

خداوند انسان را موجودی اجتماعی خلق نمود به گونه‌ی که زیستن، معیشت، رفاه و به طور کلی برای رفع نیازهای خود به دنبال هم نوع خود می‌رود و این اجتماعی زیستن برگرفته از طبیعت او نیست بلکه فطرت و طبیعت انسان پیرو استخدام کردن هر چیزی برای منافع خویش است خواه سنگ، خواه فلز و خواه انسان باشد و از طرفی انسان‌های دیگر نیز با همین نگرش به هم نوع خود می‌نگرند لذا در سایه یک دسته قوانین محترمانه سعی دارند که با رعایت حقوق یکدیگر نیازهای همدیگر را رفع کنند، لذا اجتماعی بودن انسان با یک واسطه برگرفته از طبیعت، ذات و فطرت او است، که صد البته، خداوند نیز در کتاب برگزیده خود پیرامون آن تاکیدات فراوانی را بیان نموده است چنان که می‌فرماید: «و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الأرض» (بقره، 251) واژه اقتصاد یا علم اقتصاد شاید از ابتدای خلقت انسان نبوده ولی انسان در طول حیات خود سعی می‌کرده به گونه‌ی زندگی کند که محتاج به دیگران نباشد و یا تا آنجا که ممکن است کمتر محتاج دیگران باشد، این سعی و تلاش همان اقتصاد است اما علم اقتصاد پس از حضور سیاست در عرصه‌ی اجتماعی، ظهور کرده است چنان که اقتصاددانان معتقد هستند در اواخر قرن نوزدهم واژه «اقتصاد» (به انگلیسی: economics) را به عنوان فرم کوتاه‌تر «علوم اقتصادی» (به انگلیسی: economic science) پیشنهاد کردند تا از دلالت ضمنی این واژه بر منافع سیاسی محدود جلوگیری کرده باشند و همچنین به این واژه صورتی مشابه واژگان دیگر علوم مانند «ریاضیات» (به انگلیسی: mathematics)، «اخلاق» (به انگلیسی: ethics) و مانند آن‌ها ببخشند (Alfred, 1879, p. 2). اما بعضی دیگر اذعان می‌کنند که این علم در حدود دو قرن قدامت دارد تا قبل از سال 1776 میلادی اقتصاد جزء سایر علوم مانند فلسفه و سیاست مورد مطالعه قرار می‌گرفت اما در سال مذکور آدم سمیت (1723-1790) کتاب ثروت ملل را نشر کرد و بدین ترتیب استقلال علم اقتصاد از سایر علوم اعلان شد.

علم اقتصاد سه مفهوم اساسی دارد که تمام اقتصاد دانان سعی در شکوفایی آن سه

مفهوم هستند تا بدین وسیله اقتصاد خود را کارآمدتر کنند، این سه مفهوم عبارتند از: تولید، توزیع و مصرف. هر یک از این واژه‌ها مشتمل بخشهایی هستند که علم اقتصاد را بارور می‌کنند، دربخش تولید قسمتی وجود دارد با عنوان درآمد که به معنای مقدار مالی است که تولیدکنندگان با فروش محصولات یا خدمات خود به دست می‌آورند.

گسترش و تحقق عدالت یکی از مهمترین آرمان‌های دین اسلام بوده و هدف گیری آن وجهی است که سبب تمایز نظام اسلامی با نظام‌های دیگر است. فقر و توزیع درآمد به عنوان حیطه‌های بارز عدالت اجتماعی، همواره باید مورد توجه دلسوزان نظام اسلامی و نیز افکار عمومی باشد. بدون شک ریشه کن کردن فقر و این زندگی در سطحی برابر بستگی به این دارد که چگونه درآمد کسب می‌شود و از چه راهی می‌توان درآمد را کسب کرد، امام عسکری (ع) به عنوان شخصیتی که مسئول شرع بوده همواره شیعیان را رهنمود می‌نمود که چگونه و از چه راهی درآمد را کسب کنند تا شیعیان بتوانند زندگی اقتصادی آرامی داشته باشند، لذا این پژوهش در صدد پاسخ به این است که اقدامات اقتصادی امام عسکری (ع) جهت درآمد مناسب چه بوده است؟

۲. مفهوم شناسی

در این قسمت واژه‌های کلیدی در قسمت معنای لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار می‌گیرد که این واژه‌ها عبارتند از اقتصاد و درآمد هستند.

۲-۱. معنای لغوی و اصطلاحی اقتصاد

واژه اقتصاد در اصل از زبان عربی اخذ شده و برای یافتن معنای واقعی، باید ریشه‌ی عربی آن را بررسی کرد، واژه اقتصاد مصدر ثلاثی مزید باب افتعال است که از ریشه قصد اخذ شده است و برای واژه قصد علمای لغت سه معنا نوشته‌اند که یکی از آن معناها جمع کردن چیزی است: «القاف و الصاد و الدال أصولٌ ثلاثة، يدلُّ أحدها على إتيان شيءٍ و أمه، و الآخر على اكتنازٍ في الشيء» (ابن فارس، 1404، ج 5، ص 95). اما واژه اقتصاد در لغت عربی برای میانه روی و یا حد وسط استعمال

می‌شود، میانه روی که مورد ستایش و ممدوح است چنان که علمای لغت نوشته‌اند: «الإقْتِصَادُ عَلَى ضَرْبَيْنِ: أَحَدُهُمَا مَحْمُودٌ عَلَى الْإِطْلَاقِ، وَ ذَلِكَ فِيمَا لَهُ طَرَفَانِ: إِفْرَاطٌ وَ تَقْرِيطٌ كَالْجُودِ، فَإِنَّهُ بَيْنَ الْإِسْرَافِ وَ الْبَخْلِ، وَ كَالشَّجَاعَةِ فَأَنَّهَا بَيْنَ التَّهَوُّرِ وَ الْعَجِينِ، وَ نَحْوِ ذَلِكَ» (اصفهانى، 1412 هـ.ق، ص 672). اقتصاد در زبان عربی در مواردی استعمال می‌شود که فرد حد اعتدال را رعایت می‌کند و با رعایت عدل گام بر می‌دارد به عبارت دیگر اقتصاد در زندگی یعنی این که طوری خرج کند که اسراف و افراط نشده باشد و در طرف مقابل تقریط و بخل هم صورت نگرفته باشد. اما واژه اقتصاد در اصطلاح امروز معانی متعددی ذکر شده است آدم اسمیت در سال ۱۷۷۶ چیزی که در آن روزگار اقتصاد سیاسی خوانده می‌شد را این‌گونه تعریف کرده‌است: «شاخه‌ای از دانش یک دولتمرد یا قانونگذار درآمد سرشار و معاش خوب برای مردم ... [و] تأمین کردن درآمد برای دولت برای هزینه کردن در خدمات عمومی» (Adam, 1776, p905).

آلفرد مارشال در کتاب خود اصول علم اقتصاد (۱۸۹۰) تعریفی ارائه می‌کند که تحلیل اقتصادی را از مقوله ثروت فراتر می‌برد و از سطحی اجتماعی به سطح اقتصاد خرد می‌کشانند: «اقتصاد، مطالعه انسان در کسب و کار معمولی زندگی است. اقتصاد به کاوش در این می‌پردازد که چگونه انسان درآمدش را کسب و آن را مصرف می‌کند؛ بنابراین، از یک جنبه مطالعه ثروت است و از جنبه مهم دیگر، بخشی از مطالعه خود انسان است» (Alfred, 1920, p. 2).

اما در نهایت علم اقتصاد به علمی به گفته می‌شود که در آن از سه چیز عمده تولید، توزیع و مصرف بحث می‌شود.

۲-۲. درآمد در لغت و اصطلاح

یکی از مفاهیم اساسی اقتصاد، تولید است که خود از بخش‌های متعددی برخوردار است و یکی از این بخش‌ها درآمد است که در رشد اقتصادی اثر بسیار بسزایی دارد. درآمد واژه‌ی فارسی است که برای آن در لغت فارسی دو معنای ذکر کرده‌اند: «اولا دخل و عایدی، ثانيا شروع، ابتدا» (معین، 1393 ش، ذیل واژه درآمد).

در زبان انگلیسی برای کلمه درآمد از واژه top line استفاده می‌شود که به معنای خط بالایی است و اشاره به جایگاه درآمدها در صورت سود و زیان شرکت‌ها دارد.

۳. زندگی نامه امام عسکری (ع)

امام حسن عسکری (ع) در سال 232 هجری در مدینه به دنیا آمد و مادر ایشان سوسن یا سلیل بود، بانویی با فضیلت که به پرورش این امام (ع) هم‌ام پرداخت. این بانوی متقی و پرهیزگار در سامرا از دنیا رحلت کرد. کنیه امام (ع)، ابا محمد بود. ایشان بیست و نه سال زندگی کردند که می‌توان حیات ایشان را به سه بخش تقسیم کرد: بخش اول دوران زندگی آن حضرت در مدینه است که سیزده سال به طول انجامید. بخش دوم زندگی ایشان در سامرا محدود می‌شد که نزدیک به ده سال طول کشید. بخش سوم دوران امامت این امام بزرگوار است که نزدیک شش سال در آن گذراند.

دوره امامت امام عسکری (ع) با قدرت و نفوذ حکومت و خلفای بنی عباس همراه بود به گونه‌ای که خلفا با پیروی از سبک خلافت هارون سعی داشتند که این قدرت را نمایان کنند، دلیل بر این ادعا اقامت ایشان به همراه خانواده به مدت شش سال در سامرا بود که سه سال آن در زندان‌ها را سپری کردند. علاوه بر این یکی از امور مهم شیعیان آن دور، بحث مالی شیعیان بود که از طرف حکومت، اموال و اوقاف شیعه، به دست دشمن آل محمد و مخالف جریان‌های شیعی سپرده می‌شد، تا با این عمل در صدد ضعیف کردن بنیه مالی شیعیان بشوند. چنانکه نوشته‌اند که احمد بن عبیدالله بن خاقان از جانب خلفا، والی اوقاف و صدقات بود در قم، و او نسبت به اهل بیت رسالت، نهایت مرتبه عداوت را داشت.

بدون شک ایشان نیز مانند سایر ائمه معصومین از مرجعیت علمی برخوردار بوده‌اند چنان که آورده‌اند ایشان جنبش علمی خاصی در چارچوب تعلیمات عالیه قرآنی و نشر احکام الهی و مناظرات کلامی را تجدید کرد، که به مرور زمان سبب ظهور افرادی مانند یعقوب بن اسحاق کندي گردید، آورده‌اند که یعقوب بن اسحاق کندي فیلسوف بزرگ عرب در مناظره با آن حضرت در مانده گشت و کتابی را که

بر رد قرآن نوشته بود سوزانید و بعدها از دوستان و در صف پیروان آن حضرت درآمد.

در کیفیت شهادت ایشان آورده اند که فرزند عبیدالله بن خاقان می گوید: روزی برای پدرم (که وزیر معتمد عباسی بود) خبر آوردند که ابن الرضا - یعنی حضرت امام حسن عسکری (ع) - رنجور شده، پدرم به سرعت تمام نزد خلیفه رفت و خبر را به خلیفه داد. خلیفه پنج نفر از معتمدان و مخصوصان خود را با او همراه کرد. یکی از ایشان نحیر خادم بود که از محرمان خاص خلیفه بود، امر کرد ایشان را که پیوسته ملازم خانه آن حضرت باشند، و بر احوال آن حضرت مطلع گردند. و طیبی را مقرر کرد که هر بامداد و پسین نزد آن حضرت برود، و از احوال او آگاه شود. بعد از دو روز برای پدرم خبر آوردند که مرض آن حضرت سخت شده است، و ضعف بر او مستولی گردیده. پس بامداد سوار شد، نزد آن حضرت رفت و اطبا را امر کرد که از خدمت آن حضرت دور نشوند و قاضی القضاة (داور داوران) را طلبید و گفت ده نفر از علمای مشهور را حاضر گردان که پیوسته نزد آن حضرت باشند. و این کارها را برای آن می کردند که آن زهری که به آن حضرت داده بودند بر مردم معلوم نشود و نزد مردم ظاهر سازند که آن حضرت به مرگ خود از دنیا رفته، پیوسته ایشان ملازم خانه آن حضرت بودند تا آنکه بعد از گذشت چند روز از ماه ربیع الاول در روز جمعه هشتم ماه ربیع الاول سال 260 هجری آن امام (ع) مظلوم در سن 29 سالگی به شهادت نائل آمدند.

۴. اقدامات اقتصادی امام عسکری (ع)

نگرش امام (ع) به امور مادی و دنیایی فقط سوداگرایانه نیست تا گفته شود ایشان تنها به دنبال مفاد و سود مادی است چنان که فرموده اند: «لَا يَسْغُلُكَ رِزْقٌ مَّضْمُونٌ عَنْ عَمَلٍ مَّفْرُوضٍ» (مجلسی، 1403 ق، ج 75، ص 374)؛ یعنی رزقی که خداوند برای تو ضمانت کرده و به تو می رسد نباید مانع از اعمال واجبهی تو شود. البته خلاصه‌ی معنای این روایت این است که به خاطر دنیا نباید آخرت را رها کرد.

مخفی نماند که معنای رزق مضمون این نیست که فرد در خانه بنشیند و منتظر

روزی خود بنشیند. این کار در روایات نفی شده است. انسان نباید تلاش را رها کند و در روایت آمده است که اگر کسی در خانه بنشیند و دعا کند که روزی اش برسد، دعای او مستجاب نمی‌شود. با این حال امام (ع) می‌فرماید: این روزی با تلاش و سعی به انسان خواهد رسید و نباید مانع شود که فرد از توجه به آخرت و خودسازی دور شود.

و در نقطه مقابل دیدگاه ایشان به زندگی، نگاهی راهبانه و گوشه نشینی هم نیست تا نگرش به اقتصاد را ناپسند شمارد؛ بلکه با رعایت حدود و معیارهایی، همیشه مردم را به کار و فعالیت در عرصه زندگی تشویق می‌کردند چنان که فرموده‌اند: «علیک بالاقتصاد، و إیّاك و الإسراف، فإِنَّه من فعل الشیطنه» (آرام، 1380 ش، ج 4، ص 308)، نگاه امام عسکری (ع) به اقتصاد و کسب درآمد و امور دنیایی نشأت گرفته از معرفت‌شناسی ایشان است، این نوع نگرش مطمئناً فراتر از افق دید مکاتب مادی می‌باشد. ایمان به آخرت و برخورداری از فلسفه زندگی که برگرفته از قرآن و روایات ائمه معصومین است وجه تمایز فاحشی را با دیگر مکاتب مادی در عمل و رفتار ایجاد می‌کند که بررسی همه جانبه آن‌ها فرصتی بیش‌تر از این نوشتار را می‌طلبد.

از منظر دانشمندان مکتب مادی و یا کسانی که به دنبال سود تنها هستند، هدف منحصر در رسیدن به سود است و برای دستیابی به آن هر اقدامی را جایز می‌دانند، اما از دیدگاه امام عسکری (ع) یا ائمه معصومین و یا اسلام، اولاً هدف، رسیدن به منافع مادی نیست و ثانیاً برای رسیدن به هدف گرچه مقدّس هم باشد از هر وسیله‌ای نمی‌توان کمک گرفت.

در این پژوهش ابتدا سعی می‌شود، به این پرسش پاسخ داده شد که ویژگی‌های درآمد صحیح و درست از دید امام عسکری (ع) چیست؟ و در بخش بعدی به این سوال پاسخ خواهد داده شد که راههای کسب یک درآمد درست و صحیح چیست؟

۵. ویژگی‌های درآمد صحیح از منظر امام عسکری (ع)

اسلام دینی است که در آن برای هر عمل و یا فعالیتی برنامه‌های خاصی دارد و شاید تنها دینی باشد که به همه‌ی جوانب زندگی انسان توجه کرده و سعی کرده

برنامه‌ی داشته باشد، امام(ع) نیز از آنجایی که مقتدا و پیشوا است برای فعالیت درآمد زایی نیز آدابی را معرفی کرده است که باید مورد توجه قرار بگیرد، در حقیقت تاجر قبل از تجارت باید فقه تجارت را بیاموزد تا درآمد کسب شده‌ی او مطابق شرع بوده باشد چنان که امام علی(ع) نیز فرموده است: «عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ عَلَى الْمُنْبَرِ يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَرَ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَرَ» (کلینی، 1407 ق، ج 5، ص 150).

امام(ع) این جمله را سه بار تکرار کردند که نشان دهنده اهمیت آموختن فقه کسب پیش از دست زدن به کسب و کار است. چنان که در زمان قدیم بین تاجر مسلمان این مرسوم بوده است که دانستن شرعیات کسب از جمله مطالعه کتبی مثل المکاسب را یکی از شرایط مهم برای ورود افراد جوان تر به کسب و کار بر می‌شمرده‌اند. در این بخش آداب مهم درآمد درست و صحیح از دید امام عسکری(ع) برشمرده خواهد:

۱-۵. زحمت و تلاش

زحمت و تلاش جهت بهتر شدن وضعیت زندگی شخصی و خانوادگی بسیار پسندیده است. اما اگر هدف انسان فقط کسب درآمد باشد مسلماً از دیگر اهداف زندگی دور می‌ماند در حقیقت انسان موفق کسی است که توانایی پرداختن به تمام جنبه‌های زندگی را دارد تک بعدی نیست و سعی می‌کند در تمام ابعاد زندگی تعادل را برقرار کند. اسلام نیز، به عنوان دین جامع الهی، نگاه ویژه‌ای به زحمت و تلاش و کوشش دارد به گونه‌ی که در اسلام تنبلی و بی‌کاری و بی‌حوصله‌گی برای زندگی بسیار مورد نکوهش واقع شده است.

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که دین مقدس اسلام روی آن تأکیدات بسیار زیادی نموده است، تلاش و کوشش برای تأمین روزی حلال می‌باشد، اسلام به عنوان دین برتر، تلاش و کوشش برای امرار معاش را بزرگ‌ترین عبادت قلمداد نموده است. به همین دلیل است که برنامه‌های اقتصادی اسلام در جهت تحقق مالکیت فردی و کسب درآمد مشروع و حلال و آبادانی دنیا برای رسیدن به سعادت اخروی عنوان

شده است. قطعاً کار و تلاش و کوشش موجب وسعت در رزق انسان خواهد شد، این توصیه‌ی تمامی ادیان آسمانی است و همچنین دین اسلام نیز برای دنیا و آخرت انسان برنامه‌ریزی جدی نموده و از دنیای انسان نیز غافل نشده است.

امام عسکری (ع) نیز مانند سایر ائمه شدیداً از رزقی که بدون زحمت بدست آمده است، نهی می‌کردند، چنان که نقل شده است زمانی که ایشان مشغول کفن و دفن پدر بزرگوارشان امام هادی (ع) بودند به غلامان خود فرمودند: «لَمَّا مَضَى أَبُو الْحَسَنِ عَ صَاحِبُ الْعَسْكَرِ اشْتَعَلَ أَبُو مُحَمَّدٍ ابْنُهُ بَعْضَ الْخَدَمِ إِلَى أَشْيَاءَ احْتَمَلُوهَا مِنْ ثِيَابٍ وَ دَرَاهِمٍ وَ غَيْرِهِمَا فَلَمَّا فَرَغَ أَبُو مُحَمَّدٍ مِنْ شَأْنِهِ صَارَ إِلَى مَجْلِسِهِ فَجَلَسَ ثُمَّ دَعَا أَوْلِيكَ الْخَدَمَ فَقَالَ إِنْ صَدَقْتُمُونِي فِيمَا أَسْأَلُكُمْ عَنْهُ فَأَنْتُمْ آمِنُونَ مِنْ عُقُوبَتِي وَإِنْ أَصْرَزْتُمْ عَلَي الْجُحُودِ دَلَلْتُ عَلَى كُلِّ مَا أَخَذَهُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ وَعَاقِبْتُكُمْ عِنْدَ ذَلِكَ بِمَا تَسْتَحِقُّونَهُ مِنِّي ثُمَّ قَالَ يَا فُلَانُ أَخَذْتَ كَذَا وَ أَنْتَ يَا فُلَانُ أَخَذْتَ كَذَا وَ كَذَا قَالُوا نَعَمْ قَالُوا فَرَدُّوهُ فَذَكَرَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مَا أَخَذَهُ وَ صَارَ إِلَيْهِ حَتَّى رَدُّوا جَمِيعَ مَا أَخَذُوهُ» (مجلسی، 1403 ق، ج 50؛ ص 259).

ابوهاشم جعفری نقل می‌کند که وقتی امام حسن عسکری (ع) مشغول غسل و کفن و دفن حضرت امام هادی (ع) بود، برخی از خدمتکاران بعضی از لباس‌ها و مقداری از پول‌هایی را که از حضرت هادی (ع) باقی مانده بود، برداشتند و مخفی کردند. امام حسن (ع) پس از تدفین پدر بزرگوارش در جایگاه خویش نشست و تمام خدمتکاران را فراخواند و فرمود: « اگر مرا به راستی و درستی پاسخ بدهید، از توییخ در امان هستید، ولی اگر بر انکار خودتان - نسبت به آنچه برداشته‌اید اصرار بورزید، چیزهایی را که هر یک از شما برداشته است، یکایک نام می‌برم و شما را کیفری شایسته می‌دهم. » بعد از انکار خدمتکاران، امام حسن عسکری (ع) یک به یک، نام خدمتکاران و آنچه را برداشته بودند، افشا کرد و غلامان چاره‌ای ندیدند جز آن که اموال را برگردانند.

نتیجه این که اولین ویژگی درآمد این است که در آن زحمت و تلاش باشد و در غیر این صورت یعنی درآمدی که بدون زحمت بدست آمده باشد حداقل این است که مورد پسند و رضایت امام عسکری (ع) نخواهد بود. فکر و اندیشه، و یا تامل و تدبیر

آنگاه ارزش حقیقی و عینی خویش را نشان می‌دهد که منجر به عمل و تلاش و سعی و کوشش شود و گرنه تفکری که منهای عمل باشد، ارزش واقعی را نخواهد داشت. در واقع، فکری مطلوب و کارساز است که عاقبت آن به عمل صالح منتهی شود.

۲-۵. حلال بودن درآمد

در آیین اسلام، درآمدهای مشروع و کسب و کار و اموال حلال، جایگاه ویژه‌ای داشته و قرآن مجید آن را مایه قوام و هستی شخص و جامعه و مایه زینت و آرامش در زندگی این دنیا می‌خواند؛ قرآن افراد متمکن را که از طریق مشروع اموالی به دست آورده‌اند، افراد خوب معرفی می‌کند و اساساً داشتن مال و تمکن مادی را نوعی امداد الهی به حساب آورده و عنایت و تفضل معبود را در حق بندگان خدا بیان می‌کند.

در اسلام بر کار و تلاش برای به دست آوردن روزی حلال تأکید فراوانی شده است و در نگاه آموزه‌های دینی، پاک‌ترین درآمدها به کسی می‌رسد که از راه معامله و تجارتی صحیح و درست به دست آورده باشد. احتکار، ربا، قاجاق، غش در معامله، گرانفروشی و کم فروشی از مصادیق آفت در یک تجارت سالم هستند.

در باب اهمیت درآمد حلال نیز امام حسن عسکری (ع) بسیار تأکید نموده‌اند و آورده‌اند که روزی احمد بن اسحاق یکی از اصحاب نزدیک امام (ع) برای امام (ع) وجوهاتی را جمع‌آوری کرده بود که خدمت امام حسن عسکری (ع) تقدیم نمود، در کنار امام (ع) فرزند بزرگوارشان حضور داشتند و امام عسکری (ع) از ایشان خواستند که وجوهات را تحویل بگیرند و فرزند بزرگوار امام (ع) فرمود: «فَقَالَ يَا مَوْلَايَ أَيَجُوزُ أَنْ أُمَّدَّ يَدًا طَاهِرَةً إِلَى هَذَا يَا نَجَسَةٍ وَأَمْوَالٍ رَجَسَةٍ؟» (طبرسی، 1403 ق، ج 2، ص 262)؛ ناگهان کودک اظهار داشت: ای پدر! وای سرورم! آیا جایز است که دست به سوی اموالی دراز کنم که آغشته به حرام است؟

امام حسن عسکری (ع) به احمد بن اسحاق فرمود: «ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ إِسْحَاقَ أَخْرِجْ مَا فِي الْجِرَابِ لِيُمَيِّزَ بَيْنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ» (همان)؛ سپس امام حسن عسکری (ع) خطاب به احمد بن اسحاق کرد و فرمود: آنچه در کیسه‌ها می‌باشد، بیرون بیاور تا فرزندم حلال و حرام آن‌ها را از یکدیگر جدا نماید.

در همین روایت مشاهده می‌شود که امام (ع) به تمییز بین مال حلال و حرام اهمیت می‌دهد و از همین می‌توان نتیجه گرفت که مال حلال در کسب درآمد بسیار مهم است و در صورتی که این درآمد از راه نادرست و یا حرام باشد اجازه استفاده از آن به هیچ وجه داده نمی‌شود.

امام عسکری (ع) در روایتی دیگر که در آن با صوفی‌گری برخورد می‌کند، می‌فرماید:

«عَلِمَاؤُهُمْ شِرَاءُ خَلْقِ اللَّهِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لِأَنَّهُمْ يَمِيلُونَ إِلَى الْفَلْسَفَةِ وَ التَّصَوُّفِ وَ أَيْمُ اللَّهِ إِنَّهُمْ مِنْ أَهْلِ الْعُدُولِ وَ التَّحَرِّفِ يُبَالِغُونَ فِي حُبِّ مُحَالِفِينَا وَ يُضِلُّونَ شِيعَتَنَا وَ مُؤَالِفِينَا إِنْ نَالُوا مَنْصَبًا لَمْ يَشَبِعُوا عَنِ الرَّشَاءِ» (نوری 1408، ج 11، ص 380)؛ علمای آن‌ها بدترین مردم روی زمین می‌باشند؛ زیرا آنان میل به فلسفه و صوفی‌گری دارند. به خدا سوگوند! آن‌ها اهل عدول [از دین] و انحراف هستند. در دوستی مخالفین ما [اهل بیت] زیاده روی می‌کنند و شیعیان و دوستان ما را گمراه می‌کنند. اگر به مقامی رسیدند، از خوردن رشوه سیر نمی‌شوند.

رشوه یکی از مصادیق درآمد حرام است و به علت نامشروع بودن این نوع درآمد، امام (ع) به این ترتیب با رشوه خواران مبارزه می‌کردند زیرا می‌دانستند کسب درآمد به این نوع، سبب نابودی اقتصاد جامعه است و باعث می‌شود که صاحب منصبان از طریق نامشروع درآمد کسب کنند و به این صورت اختلاف طبقاتی در جامعه ایجاد می‌شود. همچنین امام (ع) نیز در جایی دیگر که بحث با محوریت چگونگی معامله و کسب درآمد است ربای حرام یا هما درآمد حرام را توضیح می‌دهد که به نوعی به شیعیان کسب درآمد درست را می‌آموزد: «قَالَ أَبُو هَاشِمٍ أَدْخَلْتُ الْحَجَّاجَ بْنَ سَفْيَانَ الْعَبْدِيَّ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عَ فَسَأَلَهُ الْمُبَايَعَةَ قَالَ رَبَّمَا بَايَعْتُ النَّاسَ فَتَوَاضَعَتْهُمْ الْمَوَاضِعَةُ إِلَى الْأَصْلِ قَالَ لَا بَأْسَ الدِّينَارُ بِالدِّينَارَيْنِ مَعَهَا خَرَزَةٌ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي هَذَا شِبْهُ مَا يَفْعَلُهُ الْمُرَبُّونَ فَالْتَفَتَ إِلَيَّ فَقَالَ إِنَّمَا الرَّبُّ الْحَرَامُ مَا قَصَدْتَهُ فَإِذَا جَاوَزَ حُدُودَ الرَّبِّ وَ رُوي عَنْهُ فَلَا بَأْسَ الدِّينَارُ بِالدِّينَارَيْنِ يَدًا يَدًا وَيَكْرَهُ أَنْ لَا يَكُونَ بَيْنَهُمَا شَيْءٌ يُوقَعُ عَلَيْهِ الْبَيْعُ» (مجلسی، 1403، ج 50، ص 258)؛ در روایتی از ابوهاشم نقل شده که: «گفته است: حججاج بن سفیان عبدي بر ابو محمد (ع) وارد شد و درباره‌ی معامله

و داد و ستد از او پرسید و عرض کرد: مردم با ما داد و ستد می‌کنند و ما در اصل معامله [و بر اساس رأس المال] با آنان به توافق می‌رسیم. حضرت فرمود: اشکالی ندارد، یک دینار را به دو دینار و [چیزی به آن بیفزاید اگر چه] مهره‌ای [کم بها] باشد. با خود گفتیم: این کار شبیه عملی است که ربا دهندگان انجام می‌دهند. حضرت متوجه من شد و فرمود: ربای حرام آن است که مقصود از آن، حرام باشد، ولی اگر از مرز ربا گذشتی و از آن دور شدی یک دینار به دو دینار در مجلس (دست به دست) اشکالی ندارد، و مکروه است بین آن‌ها چیزی نباشد که معامله بر آن واقع گردد.

۳-۵. حمایت از تولیدکننده

در اندیشه اسلامی جهت‌گیری‌هایی را می‌توان دریافت که به نوعی بیانگر درآمد صحیح و زیاد است که بر شرایط امروز ما تطبیق می‌یابد. از جمله این مباحث تأکید جدی و اساسی دین بر مسئله تولید است زیرا با تولید در جامعه‌ی خود می‌توان به استقلال اقتصادی در بین مسلمانان رسید و دیگر محتاج کافران و مستکبران نبود، چنان‌که آیه شریفه می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱)؛ از این آیه مبارکه به دست می‌آید که مسلمین باید به دنبال استقلال و عزت باشند. بی‌گمان یکی از زمینه‌های مهم دستیابی به استقلال، حمایت از تولید و کار است؛ چه آن‌که اگر جامعه‌ی اسلامی در زمینه‌های اقتصادی وابستگی داشته باشد هیچ‌گاه به استقلال دست نخواهد یافت و به نوعی زیر سلطه غیر مستقیم کفار خواهد بود.

امام حسن عسکری (ع) نیز در هر مقامی که برای ایشان ممکن بود از تولید و تولیدکننده حمایت می‌کرد چنان‌که در بخش قبلی به روایتی اشاره شد که امام (ع) به احمد بن اسحاق دستور دادند که وجوهات آورده شده را از کیسه‌ها خارج کنند تا فرزند بزرگوار امام (ع) حلال را از حرام تشخیص بدهد، در ادامه همان روایت فرزند امام (ع) به قسمتی از وجوهات اشاره می‌کند که مربوط به بافنده‌ی است که کار بافندگی می‌کرده است و قسمتی مربوط به کشاورزی بوده است که محصن. لات او با پیمان‌های کمتری حساب شده است فرزند امام (ع) وقتی این موارد را می‌فرماید، امام

عسکری (ع) به احمد بن اسحاق می گوید: «فَقَالَ مَوْلَانَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَ صَدَقْتُ يَا بُنَيَّ قَالَ يَا ابْنَ إِسْحَاقَ أَحْمِلْ هَذِهِ الصُّرَرَةَ وَبَلِّغْ أَصْحَابَهَا وَأَوْصِ بِتَبْلِيغِهَا إِلَى أَصْحَابِهَا فَإِنَّهُ لَا حَاجَةَ بِنَا إِلَيْهَا» (طبرسی، 1403 ق، ج 2، ص 462)؛ در این روایت مفصل آمده است که امام (ع) به فرزندش فرمود: راست گفתי پسر جان اکنون آن مرد را راهنمایی کن که حرام آن کدام است، پسر بچه گفت: در این مسکوکات دیناری است منسوب به شهر ری (رازی) که تاریخ آن فلان سال است و نصف نقش آن محو شده؛ و سه قطعه طلای آملی به وزن یک دانق و نیم در این کیسه می باشد، که این مقدار از آن حرام است، و علت تحریم آن این است که صاحب آن در فلان سال و فلان ماه به یکی از همسایگان بافنده خود یک من و یک چارک نخ داده که آن را بیافد، و مدت زمان زیادی از آن گذشت تا این که دزدی آن را به سرقت برد و بافنده خبر دزدی را به او رسانید، ولی او قبول نکرد و تصدیقش ننمود و غرامت آن را یک من و نیم نخ باریک تر از وی باز ستانده است و از آن جامه ای بافته که این دینار و آن قطعه طلای آملی بهای آن است و چون سر کیسه را باز کرد در آن، دینار رازی و طلای آملی را همان گونه که گفته بود یافت. سپس کیسه دیگری را باز کرد، آن پسر بچه گفت: این کیسه متعلق به فلانی از فلان محله قم است، و مسکوکات آن پنجاه دینار است و در خور ما نیست که دستان مان را بدان ها نزدیک کنیم امام (ع) فرمود: برای چه؟ پاسخ فرمود: زیرا این سکه های طلا، بهای گندمی است که آن گندم متعلق به صاحب آن و تعدادی زارع است؛ ولی فرستنده سهم خود را با پیمانانه تمام برداشته؛ اما سهم زارعان دیگر را با پیمانانه ناتمام داده است در اینجا مولای مان امام عسکری (ع) با تصدیق و تایید کلام فرزندشان فرمود: جامه آن پیرزن را بیاور سپس افزود: ای پسر اسحاق این کیسه ها را برداشته و به صاحبان آن ها برسان یا سفارش به رساندن آن ها بکن؛ زیرا ما نیازی بدان ها نداریم.

در این روایت طولانی اگر چه که فرزند امام (ع) است که مال حلال و حرام را معین می کند اما در آخر همین فقره از روایت فرمود که به درآمدی که به ناحق از تولیدکننده گرفته شده، محتاج نیست و با این عمل به شیعیان آموخت که برای درآمد درست و صحیح از تولیدکننده که به ناحق، حق او خورده شده است، باید حمایت کرد.

۴-۵. تعاون و همکاری

تعاون و همکاری یکی دیگر از روش‌های کسب درآمد و ایجاد شغل و تقسیم کار در جامعه‌ی اسلامی است، البته تعاون و همکاری زمانی به این نتیجه منتهی خواهد شد که این همکاری در بستر فکر و ایده‌های درست باشد، برای مثال اگر دو نفر شریک در یک مجموعه، با یکدیگر بر سر مسائل جزئی با هم اختلاف نظر داشته باشند و این اختلافات موجب تعاون و همکاری با یکدیگر نگردد، در کار خود که موفق نیستند بلکه شکست اقتصادی در آن مجموعه حتمی است و در پی آن در آمدی هم نخواهد بود، اما اگر تعاون و همکاری وجود داشته باشد نه تنها اختلافات از بین می‌رود بلکه در سایه‌ی تعاون و همکاری یکدیگر می‌توانند اولاً درآمد بهتری را بدست بیاورند و در کار موفق باشند، ثانیاً در بسیاری از موقعیت‌ها باعث فکر و ایده‌های نو در جامعه‌ی دینی خواهد شد. خداوند نیز در قرآن کریم به این امر دستور داده است، چنان که می‌فرماید:

«تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (مانده، 2)؛ در انجام نیکی‌ها و دوری از ناپاکی‌ها یکدیگر را یاری دهید، و هرگز در گناه و ستم، به هم یاری نرسانید.

همکاری یک اصل کلی در سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی است که طبق این اصل مسلمین وظیفه دارند در کارهای نیک تعاون و همکاری کنند ولی همکاری در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم و ستم، مطلقاً ممنوع است، هر چند مرتکب آن دوست نزدیک یا برادر انسان باشد. نکته‌ی قابل ذکر این است که تعاون و همکاری اقتصادی که به دنبال آن کسب درآمد هم باشد نباید منجر به گناه و معصیت گردد که اسلام با کار اقتصادی و تعاون و همکاری با یکدیگر سفارش نموده، ولی به این معنا نیست که اگر منجر به کار حرام هم شد اشکال نداشته باشد.

امام حسن عسکری (ع) نیز در گفتار و اقوال خود از پیروان خودش می‌خواست که همکاری کنند بلکه در سیره عملی امام (ع) هم مشاهده می‌شود که برای تعاون و همکاری ارزش قائل بودند چنان که در ضمن نامه‌ی به علی بن حسین بابویه

قَمِي مِي نُويسِد: «وَأَوْصِيكَ بِمَغْفِرَةِ الذَّنْبِ، وَكُظْمِ الْغَيْظِ، وَصِلَةِ الرَّحِمِ، وَمُؤَاسَاةِ
 الْإِخْوَانِ، وَالسَّعْيِ فِي حَوَائِجِهِمْ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ، وَالْحِلْمِ عِنْدَ الْجَهْلِ، وَالتَّقْوَى فِي
 الدِّينِ، وَالتَّثَبُّتِ فِي الْأُمُورِ، وَالتَّعَهُدِ لِلْقُرْآنِ، وَحُسْنِ الْخُلُقِ، وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَ
 النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ» (ابن بابويه، 1404 ق، ص 21)؛ وصیت می‌کنم، به رعایت تقوی و بر
 پا داشتن نماز و ادای زکات، زیرا کسی که زکات نپردازد، نمازش قبول نخواهد شد.
 و نیز تو را سفارش می‌کنم به بخشایش گناه دیگران، و خویشتن داری به هنگام خشم
 و غضب، ارتباط با خویشاوندان، تعاون و همکاری با برادران دینی و کوشش در رفع
 نیازهای آن‌ها در تنگدستی و گشاده‌دستی، بردباری و کسب آگاهی و معرفت در دین.
 در کارها ثابت قدم و با قرآن هم‌پیمان باش، اخلاق خود را نیکو گردان و دیگران را به
 کارهای شایسته امر کن و از پلیدی‌ها باز دار.

در همین روایت امام (ع) از صحابی خود می‌خواهد که همکاری و تعاون با برادران
 دینی خود را در هر عرصه‌ای که باشد، فراموش نکند. حال این تعاون و همکاری
 می‌تواند به شکل‌های متنوعی مشاهده می‌شود چنان که یک نفر می‌تواند با پرداخت
 قرض الحسنه به یک نفر دیگر سبب بشود که فرد دیگر نیز وارد بازار شده و مشغول
 به کسب درآمد بشود و یا اگر درآمدی دارد با این کار درآمدش افزایش پیدا کند.

۵-۵. مشورت کردن

یک اصل مهم دیگر در اقتصاد اسلامی که باعث کسب درآمد می‌شود اصل
 مشورت است یک اصلی که اسلام عزیز به آن بسیار دستور داده است. مشورت
 کردن محدود به یک عمل خاصی نیست بلکه اساساً اسلام در هر کاری دستور به
 مشورت داده است زیرا مشورت کردن سبب آشنایی با مشکلات پیش رو می‌شود و
 گاهی راه را برای فرد مشورت گیرنده آسان‌تر و هموارتر می‌کند. چنان که خداوند این
 دستور را به پیامبر می‌دهد که می‌فرماید: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران، 160)؛ در
 امور با آنان مشورت نما.

اساساً کلمه‌ی شور در اصل به معنی مکیدن زنبور، از شیرهی گل هاست. در
 مشورت کردن نیز انسان بهترین نظریه‌ها را جذب می‌کند. سزاوار است که مؤمنین

برای کارهایی که انجام می‌دهند با دیگران برای بهتر شدن آن کار و عمل، به شور و مشورت پردازند و مشورت را نصب العین یکدیگر نمایند. در این جا نیز باید عرض کنیم که در کارهای اقتصادی نیز این دستور دین عزیز اسلام است که با مشورت نمودن اهل خبره و کار بلد این فن، انسان در کارش موفق‌تر خواهد شد، بنابراین کسانی که در امر اقتصادی با دیگران مشورت نمی‌کنند، گاه در زندگی‌های شخصی خود با مشکلات اقتصادی روبرو می‌شود که در نتیجه باعث از بین رفتن درآمد می‌شود.

امام عسکری (ع) نیز تاکید دارند که قبل از هر عملی باید بر روی فکر کرد و یکی از راههای فکر کردن این است که با صاحبان تجربه و علم در آن مورد مشورت کند به سخند دیگر مهمترین اصل اجتناب از لغزش‌ها فکر کردن و مشورت کردن است چنان که می‌فرمایند: «قَلْبُ الْأَحْمَقِ فِي فَمِهِ وَفَمُ الْحَكِيمِ فِي قَلْبِهِ» (مجلسی، 1403 ق، ج 75، ص 374)؛ اگر همیشه انسان پیش از آغاز سخن به نتایج و محتوای عمل خود می‌اندیشید و زیانبار بودن آن عمل را مورد بررسی قرار می‌داد و در راستای کسب رضای خداوند، تحقق امر به معروف و نهی از منکر و حمایت از مظلوم و مبارزه با ظالم، و خوشنودی بندگان خدا اندیشه و سخن خود را به کار می‌گرفت، در جامعه‌ی اسلامی هیچ مشکلی پیش نمی‌آمد. از این عبارت امام (ع) می‌توان این چنین نتیجه گرفت که انسان عاقل ابتدا در مورد عملی تفکر و یا مشورت می‌کند و سپس عمل می‌کند.

گاه انسان حماقت را با اراده خود فراهم می‌سازد؛ با نیکان و پاکان و عاقلان و خردمندان معاشرت نمی‌کند و بر عکس به دنبال هوای نفس می‌رود و با افراد نادان و شرور طرح دوستی می‌ریزد، تحصیل علم را رها می‌کند و با اختیار خود در وادی جهل گام بر می‌دارد و هنگامی که مسئله سرنوشت سازی پیش آید با این‌که می‌تواند تأمل کند، به مشورت پردازد و از این و آن نظر بخواهد همه این‌ها را ترک کرده و بی‌گدار به آب می‌زند و گرفتار نتایج بدی می‌شود که جبران آن گاهی بسیار سخت است.

در روایتی دیگر نقل شده است که روزی فردی نزد امام (ع) آمد و از ایشان در مورد

خرید کنیزی مشورت گرفت و امام(ع) آن فرد را از خرید آن کنیز به شدت نهی کرد، مسعودی این گونه نقل کرده است:

محمد بن حسن بن شمون روایت کرده که: پسر عموی ما محمد بن زید، نامهای به امام عسکری(ع) نوشت و در زمینه‌ی خرید کنیزی نیکو به مبلغ دوپست دینار برای پسرش، با آن حضرت مشورت نمود. امام(ع) در پاسخ نامه، نوشت: آن کنیزک را خریداری نکن که مبتلای به جنون است و علاوه بر آن عمرش نیز کوتاه است. محمد بن زید می‌گوید: از خریدن آن کنیز منصرف شدم. پس از چند روز همراه پسر عموی، از آن جا گذارم افتاد، گفتم: مایلم تقاضا کنم یک بار دیگر او را بر من عرضه کنند تا او را ببینم. (صاحب کنیز) او را بر ما عرضه کرد، در همان حال که مقابلمان ایستاده بود، صورتش به پشت برگشت و پس از سه روز که به همین حالت بود از دنیا رفت (برگرفته از کتاب خورشید سامرا).

در همین نقل کاملاً مشخص است که امام(ع) با سیره عملی خود آموختند که قبل از خرید کالایی که آیا برای شما درآمد دارد یا خیر؟ حتماً مشورت کنید و عاقبت مشورت کردن را هم مشاهده نمودید که آن فرد به سبب مشورت نمودن با امام(ع) در آن معامله ضرر نکرد.

۵-۶. پرهیز از تجمل گرایی

گاهی برای کسب درآمد، انسان به دنبال محیطی بیرون از خانواده است تا بتواند ثروتی و یا درآمدی بدست بیاورد اما گاهی برای داشتن درآمد مناسب باید به دنبال راهکارهایی بود که در درون خانواده وجود دارد و بارزترین راهکارها مبارزه با تجمل گرایی و با همان اسراف در خانواده است، اگر این تجمل گرایی و اسراف حذف بشود انسان درآمد خود را در جای مناسب خرج می‌کند و به این صورت می‌تواند درآمد خود را مدیریت کند.

تجمل گرایی، نوعی زندگی است که در آن تظاهر به ثروتمند بودن فرد می‌شود که در آن افراد به زندگی اشرافی و پرزرق و برق اهمیت می‌دهند، همواره به دنبال تغییر لوازم زندگی خود و رسیدن به رفاه و آسایش بیشتر در پرتو وسایل جدید و

لوکس هستند و همه فکرشان روی آن‌ها متمرکز است. بدین ترتیب، از هدف‌های اصلی زندگی که بزرگترین آن‌ها عبادت و بندگی خداست، غافل می‌شوند. یکی از ویژگی‌های بندگان شایسته خدا، خاکی بودن و فروتنی است و افراد تجمل‌گرا، از این نعمت‌های اخلاقی دور هستند و با پیوستن به جرگه افراد مادی‌گرا، دچار غرور و فخر فروشی می‌شوند. اینان، انسان‌های ساده زیست را به دیده حقارت می‌نگرند، غافل از اینکه، با سرگرم شدن به این نوع زندگی، خود را در تنگناهای دشوارتر گرفتار می‌کنند.

برنامه‌ریزی صحیح در زندگی موجب رشد اقتصادی، کسب درآمد و از زیر ساخت‌های توسعه اجتماعی و بالندگی اقتصادی یک جامعه محسوب می‌شود.

در اینجا به نمونه‌ای از سیره امام عسکری (ع) اشاره خواهیم کرد که در آن امام (ع) به یکی از یاران خود توصیه می‌کند که اسراف و یا همان تجمل‌گرایی نکند: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَزَةَ السُّرُورِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ عَلَى بَدِ أَبِي هَاشِمٍ دَاوُدَ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ وَ كَانَ لِي مُوَخِيَا إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عَ سَأَلُهُ أَنْ يَدْعُو لِي بِالْغِنَى وَ كُنْتُ قَدْ أَمَلَقْتُ فَأَوْصَلَهَا وَ خَرَجَ إِلَيَّ عَلَى يَدِهِ أَبْشَرَ فَقَدْ أَجَلَكَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِالْغِنَى مَاتَ ابْنُ عَمِّكَ يَحْيَى بْنُ حَمَزَةَ وَ خَلَفَ مِائَةَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ وَ هِيَ وَارِدَةٌ عَلَيْكَ فَاشْكُرِ اللَّهَ وَ عَلَيْكَ بِالْاِقْتِصَادِ وَ إِيَّاكَ وَ الْاِسْرَافَ فَإِنَّهُ مِنْ فِعْلِ الشَّيْطَانَةِ فَوَرَدَ عَلَيَّ بَعْدَ ذَلِكَ قَادِمٌ مَعَهُ سَفَاتِجٌ مِنْ حِرَانَ فَإِذَا ابْنُ عَمِّي قَدْ مَاتَ فِي الْيَوْمِ الَّذِي رَجَعَ إِلَيَّ أَبُو هَاشِمٍ بِجَوَابِ مَوْلَايَ أَبِي مُحَمَّدٍ وَ اسْتَعْنَيْتُ وَ زَالَ الْفَقْرُ عَنِّي كَمَا قَالَ سَيِّدِي فَأَدَيْتُ حَقَّ اللَّهِ فِي مَالِي وَ بَرَزْتُ إِخْوَانِي وَ تَمَاسَكْتُ بَعْدَ ذَلِكَ وَ كُنْتُ مُبَدَّرًا كَمَا أَمَرَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ» (مجلسی، 1403، ج 50، ص 292)؛ توسط ابوهاشم جعفری که با هم دوست بودیم نامه‌ای به محضر امام

عسکری (ع) نوشته و درخواست کردم که آن حضرت (ع) دعا کند تا خداوند متعال در زندگی من گشایشی ایجاد بفرماید. وقتی که جواب را توسط ابوهاشم دریافت کردم، آن حضرت نوشته بود: پسر عمویت یحیی بن حمزه از دنیا رفت و مبلغ صد هزار درهم ارث باقی گذاشت و این درهم‌ها بر تو وارد می‌شود (به ارث به تو می‌رسد) پس خدا را سپاسگذاری کن و بر تو باد به میانه روی، و از اسراف بپرهیز که اسراف از رفتارهای شیطنانی است. بعد از چند روزی، پیکی از شهر حران آمده و اسنادی را مربوط به

دارایی پسر عمویم به من تحویل داد. من با خواندن نامه‌ای که بین آن اسناد وجود داشت، متوجه شدم که پسر عمویم یحیی بن حمزه دقیقاً همان روزی فوت کرده است که امام(ع) آن خبر را به من داد. به این ترتیب از تنگدستی و فقر رهایی یافته و بعد از ادای حقوق الهی و احسان به برادرهای دینی‌ام، طبق دستور امام(ع) زندگی خود را بر اساس میانه روی تنظیم نموده و از اسراف و ولخرجی پرهیز نمودم و به این ترتیب زندگی‌ام سامان یافت در حالی که در گذشته فردی مبذر و اسراف کار بودم.

در این روایت امام(ع) صحابی خود را شدیداً از اسراف و تجمل‌گرایی نهی کرد زیرا از او خواست که با اقتصاد زندگی کند و نتیجه این گونه زندگی سبب شد که آن فرد درآمد بهتری داشته باشد.

۶. نتیجه گیری

آن چه به صورت مختصر در این پژوهش جمع‌آوری شده است، گوشه‌ای از سیره و روش امام حسن عسکری(ع) با محوریت مسائل اقتصادی خصوصاً کسب درآمد بود و کاملاً نوع نگرش امام حسن عسکری(ع) به دنیا و مسائل مادی و اقتصادی روشن شد و این مطلب نیز واضح گردید که نگرش ایشان به دنیا با دیگر نگرش‌های مادی تفاوت دارد. او به تبع نگرشی که به هستی و هدف از آفرینش انسان دارد، افقی گسترده‌تر از دنیای تنگ و مادی را می‌نگرد و به آخرت و سعادت آخرتی به صورت اصلی و نهایی‌ترین هدف از خلقت هستی و انسان نگاه می‌کند و به همه امور از این رهگذر می‌نگرد؛ بدین لحاظ، هر کاری را خرد یا کلان (کوچک و بزرگ) که در این مسیر و موجب رسیدن به آن هدف است، متعالی و ارزشمند می‌شمرد و پذیرش حکومت و پذیرش قدرت را نیز در این جهت تفسیر می‌کند؛ بدین سبب، با بیان مکرر معیار و مدار کسب درآمد درست را بیان کرد، سفارش به زحمت و تلاش می‌کرد زیرا انسان بدون سعی و تلاش به آنچه که خواهان او است نخواهد رسید و به دستور اسلام باید از هم و غم و ناراحتی و ناتوانی و تبلی و بخل و ترس به خدا پناه برد. توجه داشته باشیم که بهره‌انسان، کاری نیست که انجام داده، بلکه تلاشی است که از او حاصل شده است و لذا هر چند انسان به مقصد و مقصودش نرسد

اما اگر نیتش خیر باشد خدا پاداش خیر به او می‌دهد، چرا که او خریدار نیت‌ها و اراده‌ها است، همچنین ایشان به حلال بودن درآمد تاکید داشتند، زیرا درآمد حرام از عواملی است که بر جامعه‌ی اسلامی اثر نامطلوب دارد: اولاً سلب امنیت اجتماعی: درآمدهای حرام در جامعه، منشاء ایجاد کینه و دشمنی می‌شود و صلح و صفا را از بین می‌برد. اسلام نمی‌خواهد امنیت جامعه از بین برود. در کنار این موارد امام(ع) سفارش به حمایت از تولیدکننده، تعاون و همکاری، مشورت کردن و پرهیز از تجمل‌گرایی را در هر فرصتی ابراز می‌داشت تا بدین سبب راه کسب درآمد صحیح را بیاموزد.

۷. منابع و مآخذ

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، علی بن حسین، ۱۴۰۴ ق، الإمامة و التبصرة من الحيرة، قم، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابو الحسنین، احمد بن فارس بن زکریا، ۱۴۰۴ هـ ق، معجم مقائیس اللغة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۳. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، ۱۴۱۲ هـ ق، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان - سوریه، دار العلم - الدار الشامیة.
۴. آرام، احمد، ۱۳۸۰ ش، الحیة، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. برگرفته از کتاب با خورشید سامرا نوشته: محمد جواد الطبسی.
۶. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، تهران، (ط - الإسلامية).
۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار، دار الاحیاء التراث العربی.
۹. معین، محمد، ۱۳۹۳ ش، فرهنگ فارسی معین، تهران، امیر کبیر.
۱۰. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل،

قم مؤسسه آل البيت(ع).

11. Marshall, Alfred (1890 [1920]). Principles of Political Economy, v. 1, London: Macmillan.
12. Marshall, Alfred, and Mary Paley Marshall (1879). The Economics of Industry, Macmillan
13. Smith, Adam (1776). An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations, and Book IV, as quoted in Peter Groenwegen (1987) 2008.

